

تبیین ویژگی‌های دانش‌پژوهی در نظام آموزشی کشور از دیدگاه شهید ثانی

مقاله پژوهشی
اصیل
Original
Article

محسن فتاحی اردکانی،^۱ هادی کریمی عقدا^۲

چکیده

هدف: هدف این پژوهش، بررسی تطبیقی دیدگاه شهید ثانی در خصوص ویژگی‌های دانشجو و دانش‌پژوه مطلوب، با اسناد بالادستی نظام آموزشی کشور (سند اسلامی شدن دانشگاهها؛ مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران؛ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش) بود. **روش:** این تحقیق از حیث هدف، کاربردی است و با استفاده از رویکرد کیفی و روش اسنادی و منابع کتابخانه‌ای، به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. **یافته‌ها:** از دیدگاه شهید ثانی، دانشجو و دانش‌پژوه موفق از ویژگی‌هایی همچون: نیت ناب و پالودن دل از بدی‌ها، استفاده از فرصت‌های پیش رو برای تحصیل، زدودن موانع تحصیل و دلبستگی‌های مادی، اجتناب از افراد سطحی‌نگر و معاشرتهای ناسالم، جدیت، پویایی، بلندهمتی و اولویت‌بندی در دانش‌پژوهی برخوردار است. **نتیجه‌گیری:** نتایج پژوهش نشان داد در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی کشور، به تمامی ویژگی‌های ذکر شده لاقبل به صورت غیر مستقیم اشاره شده است؛ اما در سند اسلامی شدن دانشگاهها، به دلیل استادمحور بودن سند، به ویژگی‌هایی همچون: استفاده از فرصت‌های پیش رو برای تحصیل، زدودن موانع تحصیل و دلبستگی‌های مادی و اجتناب از افراد سطحی‌نگر و معاشرتهای ناسالم توجه لازم صورت نگرفته بود.

واژگان کلیدی: شهید ثانی، دانشجو، دانش‌پژوه، سند اسلامی شدن دانشگاهها، سند تحول، مبانی نظری تحول بنیادین.

◇ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۲۶

۱. استادیار گروه آموزش معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، صندوق پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵. تهران، ایران (نویسنده

مسئول). fattahi@cfu.ac.ir

۲. استادیار گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. hadikarimi@cfu.ac.ir

الف) مقدمه و بیان مسئله

در تعلیم و تربیت اسلامی، توجه به علم و دانش، همواره زمینه‌ساز خیر دنیا و آخرت و در مقابل، بی‌توجهی به آن، از عوامل مؤثر بر گسترش شر در دنیا و آخرت معرفی شده است. (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۱: ۱۲؛ طبرسی، ۱۳۴۴: ۱۳۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۲۰۴)

در اسلام، علم و دانش مختص زمان و گروه خاصی نبوده است؛ بلکه بر هر فرد مسلمانی، واجب بوده و یکی از عوامل مؤثر در ارتباط بین خداوند و انسان و زمینه‌ساز استغفار و آرزوی انسان تلقی شده است (مفید، ۱۴۱۳: ۳۰). علم و حکمت به عنوان گمشده مؤمن (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ۱۶۸؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸: ۱۶۸) و دوری از آن، زمینه خواری و پستی افراد در نظر گرفته شده است (محمدی ری‌شهری، بی‌تا: ج ۸: حدیث ۱۳۷۸۷)؛ علاوه بر این، مرگ طالب علم در حال دانش‌اندوزی را مرگی شهادت‌گونه و طالب علم و دانش را نه تنها دوست پیامبر، بلکه محبوب‌تر از فرشتگان در نزد ایشان می‌داند. کسب خشنودی و رضایت پیامبر را در گرو احترام به دانشجو و دانش‌پژوه و تکریم دانش‌پژوه را به عنوان تکریم پیامبر و در نتیجه، تکریم خدا و به دنبال آن، رسیدن به بهشت برشمرده است. یک ساعت مذاکره علمی در نزد خدا از ده هزار سال عبادت بالاتر فرض شده که در نهایت سعادت اخروی طالب علم را در بر دارد؛ به طوری که در پایان همه این فضایل به «طُوبَى لَطَّالِبِ الْعِلْمِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (خوشا به طالب علم در روز قیامت) (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۷: ۳۰۰) اشاره شده است. با توجه به آنچه در آموزه‌های اسلامی در خصوص اهمیت علم و دانش‌پژوهی آمده، شاید به جرأت بتوان گفت هیچ دینی به اندازه اسلام به علم و دانش بها نداده است.

بر این اساس است که امام خمینی در وصیتنامه سیاسی الهی خود، ضمن توجه به نقش محوری مراکز تعلیم و تربیت، به اهمیت و ضرورت توجه و تقویت مراکز تعلیم و تربیت از کودکان تا دانشگاهها اشاره می‌کنند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۴۲۹) و در ادامه ضمن گوشزد کردن پیامدهای غفلت از این مراکز، عمده ضربات مهلک اجتماعی و سیاسی به ایران و اسلام را ناشی از غفلت از مراکز تعلیم و تربیت دانسته‌اند. مقام معظم رهبری نیز تحصیل علم و خود علم و تأثیر آن در آینده کشور را، یک نقطه برجسته و اساسی برای نظام جمهوری اسلامی دانسته، از دانش به عنوان آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور یاد کرده‌اند (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷: ۷). درباره اهمیت آموزش عالی و توجه به محیط دانشگاه، همین بس که ایشان هر سال جلسات متعددی با دانشجویان دارند و در سخنان گوناگون خود، از شأن و مرتبت دانشگاه سخن گفته و اهمیت آن را در برنامه‌ریزی‌های کلان علمی، فنی و دینی کشور بازگو کرده‌اند؛ از جمله در سخنانی مبسوط فرموده‌اند: «درست است که

محیط‌های اسلامی و انقلابی زیاد است محیط‌های شهری کسب و کار، محیط کارگری، محیط حوزه علمیه و محیط‌های گوناگون دیگر- اما هیچ کدام از این محیط‌ها مشغول ساختن انسانهایی نیست که با تخصص و دانش خودشان، باید در فردای این مملکت، چرخه از چرخهای زندگی را حرکت بدهند. البته از این نظر، حوزه علمیه مختصراً وجه شباهتی با دانشگاه دارد؛ اما آن هم باز تفاوت‌های خیلی زیادی دارد. در امر اداره آینده کشور، دانشگاه جلوتر و مهم‌تر است. دانشگاه است که مدیران و سیاست‌مداران آینده کشور را تربیت می‌کند؛ متخصصان و دانشمندانی که باید در زمینه‌های مختلف زندگی- از صنعت و کشاورزی و تسلیحات و از همه شؤون جامعه- کشور را در فردا اداره کنند، دارد تربیت می‌کند. پس ببینید، دانشگاه این قدر مهم است. اگر حقیقتاً دانشگاه جایی شد که در آن تربیت دینی به درستی انجام بگیرد، می‌توان اطمینان پیدا کرد که فردا مدیران کشور و همه کسانی که چرخه از چرخهای کشور در دستشان است، اسلامی هستند و با دید و نگرش اسلامی حرکت می‌کنند». (سخنرانی در دیدار دانشجویان دانشگاه تهران، ۱۳/۰۷/۱۳۶۷)

با توجه به آنچه در خصوص اهمیت نظام تعلیم و تربیت به صورت عام و نظام آموزش عالی کشور به صورت خاص آن ارائه شد و در نظر داشتن این مهم که در جمهوری اسلامی ایران می‌بایست رویکرد الهی و جهان‌بینی اسلامی مبنای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری برنامه‌های آموزشی و فرهنگی قرار گیرد تا شاهد رشد همه‌جانبه ابعاد علمی، فرهنگی و سیاسی کشور باشیم (سند اسلامی شدن دانشگاهها، ۱۳۹۲: ۸)؛ با نگاه هویتی به نقش دانشجو در فرایند تربیت و با در نظر گرفتن نقش اساسی انسان در تکوین و تحول هویت ناتمام و پویای خویش (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۱۱۹)، تبیین ویژگی‌های دانشجو و دانش پژوه تراز نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران، از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز برای رسیدن به حیات طیبه‌ای است که در اسناد بالادستی نظام آموزشی کشور بارها بر آن تأکید شده است.^۱

در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از آرای تربیتی زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی جُبعی (۹۶۶-۹۱۱ ق) معروف به شهید ثانی، به عنوان یکی از برجسته‌ترین علمای دینی که مرحوم خوانساری درباره ایشان فرمودند: تاکنون (تا سال ۱۲۶۳ ق) هیچ کسی از میان علما و بزرگان شیعه را ندیدم که به لحاظ شکوه شخصیت، سعه صدر، قدر و منزلت، خوش فهمی، ثبات قدم، حسن سلیقه، اعتدال و نظم تحصیلی، کثرت اساتید، ظرافت طبع، معنویت کلام و

۱. برای نمونه نک: «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»: ۱۳-۱۱ و «مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران».

پختگی و کامل بودن آثار علمی به پای او برسد، بلکه در تخلق به آداب و اخلاق الهی تالی تلو و در رده معصوم (ع) قرار دارد (موسوی خوانساری، ۱۳۹۰، ج ۳: ۳۵۲)^۱ ضمن تبیین و استخراج ویژگی‌های دانشجو و دانش پژوه مطلوب از دیدگاه ایشان، با معیار قرار دادن دیدگاه‌های شهید به عنوان یکی از بزرگ‌ترین و نام‌آورترین فقهای مسلط به مبانی فقهی و آداب تعلیم و تربیت اسلامی، به بازتاب و مقایسه تطبیقی آن در اسناد بالادستی نظام آموزشی کشور پرداخته شده است. در اینجا دو پرسش اصلی مطرح می‌شود که نوشتار پیش رو در صدد پاسخگویی به آن است:

- دانشجو و دانش پژوه مطلوب از دیدگاه شهید ثانی در نظام آموزشی اسلامی دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- در نظام آموزشی کشور با نگاه تطبیقی تا چه اندازه دیدگاه‌های شهید ثانی در اسناد بالادستی آموزشی بازتاب داشته است؟

۱. پیشینه پژوهش

آثار فراوانی از اندیشمندان مسلمان درباره آداب دانشجویی و دانش پژوهی تألیف شده است؛ آثاری از جمله: «الرساله المفصله لأحوال المعلمین و المتعلمین» تألیف ابوالحسن قابسی (م. ۴۰۳ ق)، «تعلیم المتعلم لتعلم طریق التعلیم» تألیف برهان‌الدین زرنوجی (م. حدود ۵۹۳ ق)، «آداب المتعلمین» تألیف خواجه نصیرالدین طوسی (م. ۶۷۲ ق)، «تذکره السامع و المتکلم فی أدب العالم و المتعلم» تألیف بدرالدین بن جماعه (م. ۷۳۳ ق) و کتاب «منیه المرید فی الادب المفید و المستفید» تألیف زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی معروف به شهید ثانی (م. ۹۶۵ ق). کتاب شهید ثانی از جامع‌ترین و مفصل‌ترین کتابهای امامیه در آداب تعلیم و تربیت اسلامی و در زمینه دانشجویی و دانش پژوهی است که در سال ۹۵۴ ق، حدود ۱۱ سال پیش از شهادت مؤلف که از بزرگ‌ترین فقهای شیعه می‌باشد، نگارش شده است. این کتاب دارای بخشهای متنوعی است؛ بخشی از آن جزء وظایف مشترک میان استاد و دانش پژوه و بخشی مخصوص دانشجو و دانش پژوه است. آداب اختصاصی دانشجویی نیز دارای سه بخش

۱. زین‌الدین ابن علی ... المشتهر بالشهید الثانی أفاض الله علی تربته الزکیه، من سجال رحمته و فضله و کرمه و جزائه اللطیف السبحانی لم الف إلی هذا الزمن الذی هو من حدود ثلاث و ستین و مأتین بعد الألف أحدا من العلماء الاجلّه، یكون بجلاله قدره، و سعه صدره، و عظم شأنه، و ارتفاع مکانه، و جوده فهمه، و متانته عزمه، و حسن سلیقته، و استواء طریقته و نظام تحصیله، و کثره أساتیده، و ظرافة طبعه، و لطافه صناعه، و معنویة کلامه، و تمامیه تصنیفاته، و تألیفاته، بل کاد ان یكون فی التخلق باخلاق الله تبارک و تعالی تالیا لتلو المعصوم.

آداب و اخلاق دانشجویی و دانش پژوهی، آداب و اخلاق دانشجو در برابر استاد، آداب و اخلاق مربوط به درس، مدرسه و محیط کلاس می‌باشد.

نوشتار پیش رو صرفاً به بررسی و واکاوی آداب دانشجویی و دانش پژوهی با تکیه بر کتاب «منیه المرید فی الادب المفید و المستفید» اختصاص یافته و سپس با نگاهی تطبیقی به «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، «مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران» و «سند اسلامی شدن دانشگاهها»، به دنبال این است که تا چه اندازه این آداب در تدوین این اسناد نمود و بازتاب داشته است. با تتبع و جستجویی که با کلیدواژه شهید ثانی، استاد و دانشجو، معلم و دانش آموز، سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و سند اسلامی شدن دانشگاهها انجام شد، نتایج به دست آمده با کلیدواژه «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، حدوداً ۹۰ مقاله بود و با کلیدواژه «مبانی نظری بنیادین» و «سند اسلامی شدن دانشگاهها»، محدود و انگشت شمار! با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان اذعان کرد که درباره آداب مستخرج از کتاب منیه المرید و نگاه شهید ثانی و تطبیق آن با «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» و «مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران» و «سند اسلامی شدن دانشگاهها»، پژوهشی صورت نگرفته است.

در میان پژوهشهای انجام شده، در پژوهش صنم‌لو و همکاران (۱۴۰۰) از این نظر که به واکاوی شاخصه‌های یک معلم خوب از منظر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش اختصاص داشت، درخور توجه و تقدیر بود. مقاله ریاضی و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی تطبیقی و انتقادی ویژگی‌هایی معلم مطلوب از دیدگاه شهید ثانی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش پرداختند و ضمن توجه به هماهنگی‌های میان آرای تربیتی شهید ثانی و سند تحول بنیادین، به برخی از تفاوت‌های موجود میان آنها اشاره داشتند که پژوهش ارزشمندی است. اما آنچه مشخص است اینکه، در هر دو پژوهش به ویژگی‌های معلم توجه شده است؛ در حالی که در پژوهش حاضر به ویژگی‌های دانشجویی و دانش پژوهی پرداخته شده و با اسناد بالادستی نظام آموزشی کشور یعنی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران و سند اسلامی شدن دانشگاهها، مطابقت داده شده است.

ب) روش پژوهش

رویکرد پژوهش حاضر، کیفی و روش استفاده شده، اسنادی است. پژوهشگر بر اساس این روش، زبان مکتوب و گفتمان نوشتاری نویسنده را پذیرفته و به آن استناد می‌کند (صادقی فسایی و عرفان منش، ۱۳۹۴). بر این اساس، ابتدا از منابع و اسناد معتبر مانند کتابها، مقاله‌ها و طرحهای پژوهشی مرتبط با آرای تریبیتی شهید ثانی و همچنین اسناد بالادستی همچون: «سند اسلامی شدن دانشگاهها»، «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» و «مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران» در خصوص ویژگی‌های دانشجو و دانش‌پژوه مطلوب از میان سه مؤلفه آداب و اخلاق دانشجویی و دانش‌پژوهی، آداب و اخلاق دانشجو در برابر استاد و آداب و اخلاق مربوط به درس، مدرسه و محیط کلاس؛ آداب و اخلاق دانشجویی و دانش‌پژوهی فیش برداری شد. بعد از شناخت دقیق نگاه شهید ثانی در بُعد آداب و ویژگی دانشجو و دانش‌پژوه مطلوب در آداب تعلیم و تربیت اسلامی، با توجه به حجم مطالب گردآوری شده، با رویکرد تطبیقی به میزان تطابق نگاه شهید ثانی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین و نام‌آورترین فقهای شیعی و صاحب‌نظر در عرصه تعلیم و تربیت اسلامی، با آنچه در «سند اسلامی شدن دانشگاهها»، «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» و «مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران» درباره مؤلفه آداب و اخلاق دانشجویی و دانش‌پژوهی آمده است، پرداختیم. در پایان نیز راهکارها و توصیه‌هایی برای تربیت دانشجو و دانش‌پژوهی مد نظر شهید ثانی در نظام آموزشی کشور ارائه شد.

ج) یافته‌های پژوهش

ویژگی‌های دانشجویی و دانش‌پژوهی استخراج شده از کتاب «منیه المرید فی الادب المفید و المستفید» با نگاهی تطبیقی به «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، «مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران» و «سند اسلامی شدن دانشگاهها»، را می‌توان در هفت عنوان ذیل تبیین کرد.

۱. نیت ناب و پالودن دل از بدی‌ها

از جمله مهم‌ترین اسباب تحصیل و فراگیری علم از دیدگاه شهید ثانی، خلوص نیت و قلب است. طالب علم باید نیت و دلش را از آلودگی‌ها و پستی‌ها پاک کند تا زمینه دریافت علم و حفظ و نگهداری آن، همچنین استمرار و ثبات قدم در این راه برایش فراهم شود (عاملی، ۱۴۲۵: ۱۰۹). با بررسی اسناد بالادستی نظام آموزشی کشور به خوبی می‌توان دریافت که به این

مؤلفه، کم و بیش در نظام آموزشی کشور توجه شده و در اصول مبانی سند اسلامی شدن دانشگاهها با عنوانهایی همچون: «تأکید بر مبانی اعتقادی و اخلاق اسلامی»، «قدسی بودن علم و محیط‌های علمی» و «تقدم تزکیه بر تعلیم» بر این ویژگی دانشجویی و دانش پژوهی تأکید شده است (سند اسلامی شدن دانشگاهها، ۱۳۹۲: ۱۳). در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز گرچه به این ویژگی تصریح نشده و جا داشت که نسبت به آن تبیین بیشتری صورت گیرد، ولی به این مطلب اشاره شده که تعلیم و تربیت فرایندی تعالی جویانه، تعاملی، تدریجی، یکپارچه و مبتنی بر ارزشهای اسلامی به منظور دستیابی به حیات طیبه در همه ابعاد است (سند تحول، ۱۳۹۰: ۱۰). در مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی کشور نیز در بخش اصول کلی تربیت رسمی و عمومی کشور، به بحث اولویت تربیت اخلاقی در تمام برنامه‌های درسی تربیت رسمی و عمومی کشور اشاره شده است (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۲۷۳). همچنین در بخش مدرسه صالح و ویژگی‌های آن، یکی از اصول و مقررات ساماندهی مدرسه صالح، توجه به حاکمیت مناسبات اخلاقی و اعتقادی معرفی شده است. (همان: ۳۵۹)

بنابر این، اگر در روایات از علم به عنوان بالاترین کامیابی یاد شده (آمدی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۱۶۲)، در کنار آن به تزکیه و ارزشهای اخلاقی نیز توجه داده شده است؛ زیرا از مهم‌ترین مبانی اساسی تربیت، توجه به مبانی انسان‌شناختی است و اینکه وجود انسان توأمان دارای دو جنبه مادی و غیر مادی است و با وجود تفاوت‌های اساسی میان آن دو، ارتباط و وثیقی میانشان برقرار است و به طور متقابل از هم تأثیر می‌پذیرند (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۵۷). هر انسانی از یک عامل کثرت به نام طبیعت و یک عامل وحدت به نام روح ماورای طبیعت تشکیل شده است؛ اگر فقط به جنبه طبیعی خود پردازد، جز اختلاف و نزاع چیزی نمی‌یابد و اگر جنبه ماورای طبیعی خودش را تزکیه کند، از گزند هرگونه درگیری مصون و به شهد مسالمت و صفا کامیاب می‌شود. خدا آفرینش جسم انسان را به تراب (حج: ۵؛ روم: ۲۰؛ فاطر: ۱۱؛ غافر: ۶۷)، طین (مؤمنون: ۱۲؛ سجد: ۷؛ صافات: ۱۱؛ ص: ۷۱)، حمأ مسنون (حجر: ۲۶) و صلصال (حجر: ۲۶؛ رحمان: ۱۴) نسبت داده که از نشئه کثرت است و همواره سبب نزاع و مایه ازدحام می‌باشد (جوادی آملی، ۱۳۶۹: ۳۱۷). در مبانی نظری تحول بنیادین نیز به بحث محدودیت، تراحم، پایان‌ناپذیری و فانی شدن اشخاص و به طور کلی جهان طبیعت تصریح شده است (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۵۶)؛ در حالی که خدا خلقت روح (حجر: ۲۹) را به خود نسبت داده که عین وحدت و همواره سبب اتحاد و رأفت و مایه التیام و محبت است (جوادی آملی، ۱۳۶۹: ۳۱۷). لذا در سند تحول بنیادین

آموزش و پرورش، با وجود ساختار همه‌مکاتب نظامهای آموزشی مبتنی بر مادیات، علاوه بر ترسیم چشم‌اندازی ارزشی (سند تحول، ۱۳۹۰: ۲۱)، ساختار بیانیه ارزشهای آن نیز مبتنی بر ۳۰ گزاره ارزشی بوده (همان: ۱۵) و در آن به هر دو بُعد انسان توجه شده است؛ زیرا بر خلاف دیگر نظامهای آموزشی مبتنی بر مادیات، اگر انسان تنها به جنبه مادیات توجه کند و در کنار فراگیری علم و دانش، توجهی به بُعد ارزشی، اخلاقی و تهذیب نفوس نداشته باشد؛ چنین انسان و نظام آموزشی اگرچه از نظر ظاهری و مادیات پیشرفت خیره‌کننده‌ای هم داشته باشد، ولی بی‌تردید همان‌گونه که حضرت امام درباره ضرورت تهذیب در کنار علم‌آموزی اشاره کرده‌اند، علم بدون تهذیب و تزکیه، ضررش از جهل بدتر است. (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۶۷)

مطابق سند تحول آموزش و پرورش، نظام تعلیم و تربیت کشور به عنوان مهم‌ترین عامل انتقال، بسط و اعتلای فرهنگ در جامعه، تحقق حیات طیبه را در همه ابعاد آن بر عهده دارد (سند تحول، ۱۳۹۰: ۱۰) تا زمینه‌های مناسب تکوین و تعالی پیوسته هویت انسان را که مجموعه‌ای از بینشها، باورها، گرایشها و اعمال و صفات است، در راستای شکل‌گیری و پیشرفت جامعه صالح اسلامی فراهم سازد (همان: ۱۱-۱۰). اینکه پیشرفت علمی و تکنیک موجب سعادت بشر شود، باوری ساده‌لوحانه است که حتی به تصریح خود اندیشمندان غربی، در حال از بین رفتن است. باید این واقعیت را درک کرد که صرفاً پیشرفت مادی، حلال مسائل انسان نیست. بنابر این، بسیاری از نخبگان غربی معتقدند جدایی علم از مقدسات، سبب بروز پدیده‌های منفی و ناهنجار در جوامع شده، به تدریج به پیامدها و عواقب فاجعه‌آمیز جدایی علم و اخلاق و ملاحظات اخلاقی پی می‌بریم. (حاجتی، ۱۳۸۱: ۱۵۱)

از این رو، گرچه در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، برنامه مدونی برای علم‌آموزی و دانش‌پژوهی ترسیم شده است و در کنار فراگیری علم و دانش، به گزاره‌های سی‌گانه ارزشی از قبیل آموزه‌های قرآن و نقش اسوه‌ای پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، آموزه‌های مهدوی، میراث نظری و عملی امام خمینی، توجه به تعلیم و تربیت اعتقادی و عبادی و اخلاقی و... اشاره شده است (سند تحول، ۱۳۹۰: ۱۵)؛ ولی به خصوص به بحث نیت که پایه و اساس همه اعمال انسان به نیت او وابسته است: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَ لِكُلِّ أَمْرٍ مَّا نَوَى» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۴: ۱۸۶؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۶۱۸؛ ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵، ج ۱: ۸۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۴: ۵۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۴۸) تصریحی صورت نگرفته است. در حالی که جا داشت با توجه به اینکه اصل و ریشه همه اعمال انسان وابسته به نیت بوده و اعتبار و ارزش هر عمل و رفتاری از جمله علم‌آموزی و دانش‌پژوهی، مطابق نیت و هدف انسان است، جداگانه به این موضوع

پرداخته شود. شهید ثانی در «منیه المرید» به دلیل اهمیت این بحث در تعلیم و تربیت، بخشی را به این موضوع اختصاص داده است؛ زیرا در نظام تعلیم و تربیت اسلامی، اگر علم آموزی با اهداف بی‌ارزش و بدون در نظر گرفتن رضای الهی باشد، چیزی جز خسران الهی در پی نخواهد داشت.

۲. استفاده از فرصتهای پیش رو برای تحصیل

در روایات، از دست دادن موقعیت و فرصتهای زندگی به سخت‌ترین غصه‌ها تعبیر شده است. (لیثی، ۱۳۷۶: ۱۲۲؛ آمدی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۷۶؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲: ۱۴۲)

در اسناد بالادستی نظام آموزشی کشور بر این نکته تأکید شده که انسان همواره در موقعیت قرار دارد و می‌تواند آن را درک کند و تغییر دهد (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۱۱۸). بنابر این، مطابق اسناد بالادستی نظام آموزشی کشور، یأس در زندگی معنا ندارد و انسان همیشه در موقعیت قرار دارد. منظور از موقعیت، مطابق اسناد بالادستی نظام آموزشی کشور، همان نسبت مشخص پویا و قابل درک و تغییر (توسط خود و دیگران) است که حاصل تعامل پیوسته فرد به منزله عنصری آگاه، آزاد و دارای قدرت انتخاب با خداوند، طبیعت، خود و جامعه در محضر خداوند جهان و محیط بر موقعیت است که انسان با توجه به ویژگی آزادی و توانایی انتخاب می‌تواند در جهت صعود یا سقوط، خود آن موقعیت را درک کند و تغییر دهد (همان). از جمله موقعیتهایی که انسان در آن قرار دارد، موقعیت آموختن و فراگیری دانش است، البته باید توجه داشت همان‌گونه که شهید ثانی نیز تأکید دارد، دانشجو و دانش‌پژوه باید برای فراگیری و تحصیل علم و دانش، وقت فراغت و نشاط و جوانی و سلامتی بدن را مغتنم بشمارد و تا مشغله فکری و زندگی او کم است، به دانش‌پژوهی پردازد (عاملی، ۱۴۲۵: ۱۰۹) و از هر موقعیت و فرصتی استفاده کند تا همواره در موقعیت آموختن و فراگیری باشد. لذا در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به عنوان راهبردی‌ترین سند در عرصه تعلیم و تربیت، بر تعامل اثربخش با مساجد و دیگر نهادها، مراکز مذهبی و کانونهای محلی نظیر فرهنگسراها، کتابخانه‌های عمومی و برخوردار از ارتباط مستمر و مؤثر با عالمان دینی، صاحب‌نظران و متخصصان تأکید شده است (سند تحول، ۱۳۹۰: ۲۳) تا با تعامل اثربخش و استفاده از ظرفیت مراکز مورد اشاره در سند تحول، به تقویت بنیادهای فکری و اعتقادی خویش پردازد. به این معنی که او همواره با تعامل با این مراکز از موقعیتهای و فرصتهای پیش رو، حداکثر استفاده را به خصوص در عنوان جوانی داشته باشد.

در سند اسلامی شدن دانشگاهها در قسمت مربوط به راهبردهای ۱۰ و ۱۱ نظام آموزشی، به همکاری حوزه و دانشگاه در سطوح مخالف اشاره شده است که بیشتر معطوف به بخش سازمانی و اداری دانشگاه است (سند اسلامی شدن دانشگاهها، ۱۳۹۲: ۵۱-۵۰). در راهبرد ۱۳ بخش نظام آموزشی که مربوط به فرایندهای مربوط به فرصت مطالعاتی، بورسیه و اعزام دانشجو به خارج از کشور است، بیشتر به نقش و جایگاه دانشجو توجه شده است (همان: ۵۳). البته این مورد نیز بیشتر مربوط به تسهیل و به کارگیری دانشجویان دانشگاههای خارج از کشور است؛ لذا شایسته است در خصوص این مؤلفه و تقویت آن در دانشجویان دانشگاههای داخل کشور نیز توجه بیشتری صورت گیرد.

۳. زدودن موانع تحصیل و دلبستگی‌های مادی

مؤلفه دیگری که شهید ثانی برای دانش‌پژوه ضروری می‌داند، دوری از اسباب مشغله‌های فکری و موانع دانش‌پژوهی، توجه به تحصیل علم، راضی بودن به حداقلها و صبر در برابر کاستی‌ها و ناداری‌های زندگی است که با این صبر، سعه علم و دانش خواهد بود (عاملی، ۱۴۲۵: ۱۱۱). در مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور، برای تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد و اهداف تربیت؛ یعنی آمادگی متریان برای تحقق آگاهانه و اختیاری حیات طیبه در همه ابعاد، علاوه بر اشاره به منابع انسانی، اطلاعاتی و زمان، مدیریت و برنامه‌ریزی و...، به بحث مالی (مبانی نظری تحول بنیادین: ۱۳۹۰: ۳۶۷) عدالت‌مداری و بهره‌مندی همگان از منابع و امکانات انسانی، مالی و مادی (همان: ۳۷۰) نیز اشاره شده است و به این مطلب تصریح شده که باید با برنامه‌ریزی، سازماندهی، رهبری، نظارت و کنترل، تمام عوامل، مؤلفه‌ها، منابع و فرصتها را برای تربیت متریان، همسو و هماهنگ کرده، از بروز یا اثربخشی موانع، تهدیدها و آسیبها جلوگیری شود (همان: ۳۶۸). از همین رو، در مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور، با توجه به روایت «کاد الفقر أن یكون کفراً» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۰۷؛ صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱: ۱۲؛ ورام، ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۵۸)، به چهار وظیفه دولت اسلامی؛ یعنی مدیریت مالی، ایجاد امنیت، آبادانی و عمران و استصلاح شهروندان اشاره شده است. لذا برای زمینه‌سازی برای تحقق حیات طیبه، دولت اسلامی موظف به تأمین رفاه و مبارزه با فقر و ناداری مردم است. (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۲۰۷)

متأسفانه به این مؤلفه و ترویج آن بین دانشجویان، در سند اسلامی شدن دانشگاهها توجه نشده است. تنها در راهبردهای ۱۶ و ۱۷ بخش فرهنگی تربیتی سند مذکور، با گزاره‌های کلی‌ای همچون: ترویج سبک زندگی اسلامی و ازدواج آسان، بدون توجه به مسئولیتها و

تبیین ویژگی‌های دانش پژوهی در نظام آموزشی کشور... ۶۳

اقدامات دانشگاه و دولت در این خصوص، به این مؤلفه اشاره شده است. (سند اسلامی شدن دانشگاهها، ۱۳۹۲: ۳۵-۳۴)

البته باید به این نکته توجه داشت که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش اگرچه به بحث قناعت، انضباط مالی، مصرف بهینه و دوری از اسراف و تبذیر تربیت‌شدگان تصریح شده است (سند تحول، ۱۳۹۰: ۳۱)؛ ولی در هر حال، مشکلات رفاهی و اقتصادی و دغدغه‌های معیشتی، در عدم تحقق اهداف علمی برای یک دانش‌پژوه بی‌تأثیر نیست. از این رو، در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ذیل بحث هدفهای عملیاتی و راهکارها، دارا بودن حداقل یک مهارت مفید برای فرد به منظور تأمین معیشت زندگی در صورت جدایی از نظام تعلیم و تربیت رسمی در هر مرحله تأکید شده است (همان). بنابراین، گرچه اقل مسائل معیشتی برای یک دانش‌پژوه ضروری است و باید در سیاستگذاری نظام تعلیم و تربیت مورد توجه قرار گیرد، ولی در مجموع به این نکته نیز باید توجه کرد که مطابق روایات، دانش‌پژوهی با راحت‌طلبی ممکن نیست. (لیثی، ۱۳۷۶: ۵۳۹؛ آمدی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۱۸۵)

در روایات، کسالت و تنبلی به عنوان آفت پیروزی و موفقیت در کارها معرفی شده است (لیثی، ۱۳۷۶: ۱۸۱؛ آمدی، ۱۳۸۸: ۴۶۳). با چنین روحیه‌ای، انسان نه تنها در دانش‌پژوهی، بلکه در تمام کارها با شکست روبه‌رو خواهد شد. کسی که کارها را به امروز و فردا می‌اندازد، هیچ کاری را به سر منزل مقصود نمی‌رساند؛ بلکه در هر کاری، یا آن را نیمه‌تمام می‌گذارد یا آنکه آن را شروع نمی‌کند. امام باقر(ع) در روایتی از تأخیر در کارها و امروز و فردا کردن به شدت نهی کرده، می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَالتَّسْوِيفَ فَإِنَّهُ بَحْرٌ يَغْرَقُ فِيهِ الْهَلَكِيُّ» (حرانی، ۱۳۸۷: ۶۳۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۲۶: ۲۶۱)؛ از تأخیر و مسامحه در کارها بپرهیز، چرا که آن دریایی است که بسیاری از مردم در آن غرق‌اند.

بر همین اساس، در آرای تربیتی دانشمندان مسلمان، یکی از مراحل سقوط انسان از پیشگاه خداوند، کسالت و بطالت معرفی شده که جز تضييع وقت و عمر انسان فایده‌ای در بر ندارد (بهشتی و همکاران، ۱۳۷۹، ج ۲: ۴۱). انسان با سستی، تأخیر و امروز و فردا کردن کارها، نه تنها در دانش‌پژوهی به توفیقی دست نخواهد یافت؛ بلکه فرصت جوانی خود را که می‌توانست در حرفه دیگری مصروف دارد نیز از دست داده، متضرر خواهد شد.

کم‌حوصلگی و تنبلی، باعث می‌شود که انسان بر کاری که متناسب با استعداد اوست، مداومت نداشته باشد. در نتیجه، همه کارها را ناتمام می‌گذارد و دائم از این شاخه به آن شاخه می‌پرد و از این کار به آن کار رو می‌آورد (مطهری، ۱۳۷۹: ۲۱۲). معمولاً انسانهای تنبل و کم‌حوصله و کم‌صبر به دلیل اینکه حوصله انجام کار را تا پایان ندارند و می‌خواهند زودتر

به نتیجه دست یابند، هیچ کاری را به درستی انجام نداده و کارها را به صورت ناقص انجام می دهند؛ در حالی که با کمی حوصله به خرج دادن در کارها و دوری از تنبلی، بالاخره انسان به نتیجه دلخواه خواهد رسید. حضرت علی (ع) می فرماید: «لَا يَعْدَمُ الصَّبْرُ الظَّفَرَ وَ إِنْ طَالَ بِهِ الزَّمَانُ» (نهج البلاغه: حکمت ۱۵۳)؛ انسان شکیبا پیروزی را از دست نمی دهد، هر چند زمان آن طولانی شود.

۴. اجتناب از افراد سطحی نگر و معاشرتهای ناسالم

از عوامل مؤثر تربیتی تأثیرگذار بر افراد، همنشین است که به باور اندیشمندان اسلامی، قوی ترین عامل ایجاد انگیزه برای پذیرش خوی و صفات دیگران می باشد (رفیعی، ۱۳۹۹: ۲۸۲). انسان چنان سرشته شده که به سرعت از اخلاق خوب و بد دیگران اثر می پذیرد (همان: ۲۵۷، ۲۸۲). شهید ثانی در خصوص اهمیت این مؤلفه بر این مهم تأکید دارد که دانشجویان مراقب نشست و برخاستها و اجتناب از معاشرتهای ناسالم و کسانی که ایشان را از اهدافشان باز می دارند باشند؛ به خصوص با افراد کوتاه فکر و سطحی نگر و کسانی که عمر خود را به بطالت و سرگرمی های بیهوده تلف می کنند؛ زیرا طبع انسان در اثر معاشرت با دیگران، الگو برداری کرده و زود تحت تأثیر آنها واقع می شود (عاملی، ۱۴۲۵: ۱۱۲). با توجه به اهمیت این موضوع در فرایند تربیت و در نظر داشتن این مهم که بسیاری از دانشجویان مدت زمان زیادی از دوران حضور در دانشگاه را در سراهای دانشجویی سپری می کنند و در این موقعیت تأثیرپذیری زیادی از گروه دوستان و همسالان دارند، اما متأسفانه از توجه به این مهم و مدیریت و برنامه ریزی برای آن، در سند اسلامی شدن دانشگاهها غفلت شده است؛ در حالی که بررسی و مطرح شدن آن به عنوان یک راهبرد مستقل در بخش فرهنگی - تربیتی سند مذکور ضروری به نظر می رسد.

در مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور، به این مهم همراه با تأکید بر گروه همسالان با عنوان عوامل مؤثر بر تربیت توجه شده است (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۱۷۰). در قسمت مربوط به خصوصیات مدرسه صالح نیز طرح و پرداختن به مؤلفه هایی همچون ساده سازی و پالایش بیشتر در راستای فراهم کردن محیط تربیتی برای دانش آموزان با تأکید بر گروه دوستان و همسالان اشاره شده است (همان: ۲۹۰-۲۸۹). همچنین در بخش مربوط به ساحت های تربیتی، آنجا که به تبیین ساحت تربیت اجتماعی سیاسی می پردازد، به نقش گروه دوستان اشاره می کند (همان: ۳۰۵-۳۰۲). همچنین در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ذیل بحث هدف های عملیاتی و راهکارهای نظام تعلیم و تربیت مبتنی بر

تبیین ویژگی‌های دانش پژوهی در نظام آموزشی کشور... ۶۵

نظام معیار اسلامی، ضمن اشاره به مراقبتهای فردی و اجتماعی، به تفریحات سالم و گروهی اشاره شده (سند تحول، ۱۳۹۰: ۳۱) و بر معاشرت و مشارکت با مراکز تأثیرگذار تربیتی مانند مساجد، حوزه‌های علمیه و مراکز و کانونهای مذهبی تأکید شده است. (همان: ۴۱)

۵. جدیت و پویایی در دانش پژوهی

جدیت در دانش پژوهی، اهمیت خاصی دارد. دانشجو و دانش پژوه باید بداند که تعلم بدون جدیت حاصل نمی‌شود. اگر متعلم در آموختن جدی باشد، از هیچ کوششی در این راه فروگذار نمی‌کند و سختی‌ها و مشقتها و رنجها را به جان می‌پذیرد (بهشتی و همکاران، ۱۳۷۹، ج ۲: ۷۱). از نگاه شهید ثانی، دانشجو باید در راه تحصیل علم، حریص بر یادگیری باشد؛ به طوری که شب و روز در صدد یادگیری باشد و هیچ ساعتی از شبانه‌روز را برای فرا گرفتن دانش از دست ندهد و تنها به قدر ضرورت به امور دیگر پردازد (عاملی، ۱۴۲۵: ۱۱۲). در سند اسلامی شدن دانشگاهها هر چند در فصل نظام آموزشی به این مهم توجه نشده است، اما در یازده راهبرد فصل پژوهش و فناوری سند مذکور، همواره به فراهم آوردن شرایط مطلوب برای تقویت جدیت و پویایی دانشجویان در پژوهش توجه شده است. (سند اسلامی شدن دانشگاهها، ۱۳۹۲: ۶۶-۵۷)

در بخش ساحت علمی فناوری سند مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور، بر این مهم تأکید شده است که می‌بایست زمینه این مهم را فراهم کرد که متریان و دانش پژوهان با تلاش و جدیت و خودآموزی مستمر و به روزرسانی توانمندی‌های خود (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۳۱۰)، ضمن در نظر داشتن تغییرات و تحولات آینده، با رویکرد آیه‌ای به جهان هستی و استفاده و تصرف مسئولانه در طبیعت، در پژوهشهای خود ارزشمدارانه عمل کنند (همان: ۳۱۱). در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز در راستای ارتقا و پویایی مسئله آموزش پژوهش و زمینه‌سازی برای رشد و شکوفایی آن، به توسعه شبکه ملی اطلاعات، شبکه پژوهشی فعال و فراگیر، تولید و به کارگیری محتوای الکترونیکی مناسب و اصلاح و به روزآوری روشهای تعلیم و تربیت اشاره شده است. (همان: ۵۳-۵۲)

۶. بلندهمتی در دانش پژوهی

بلندهمتی نیز در تعلم اهمیت خاصی دارد؛ زیرا همت برای انسان، مانند بال برای پرنده است و هر چه همت متعلم عالی‌تر باشد، به مراتب بالاتری از دانش دست خواهد یافت (بهشتی و همکاران، ۱۳۷۹، ج ۲: ۷۱). مؤلفه دیگری که از نگاه شهید ثانی برای دانش پژوه ضرورت دارد این است که اگر شرایط و امکان تحصیلات بالاتر و بیشتر فراهم است، نباید به کم راضی و

خوشحال باشد(عاملی، ۱۴۲۵: ۱۱۳). با بررسی اسناد بالادستی نظام آموزش کشور، به خوبی می‌توان دریافت که گرچه تصریحی به کلیدواژه بلندهمتی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نشده است، ولی در سند مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور بر مشارکت خود متریان با مربیان و والدین در فرایند ارتقای کیفیت مدرسه تأکید شده است(مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۲۷۱) که نشان‌دهنده این است که در نظام تعلیم و تربیت، متریی نباید به وضع موجود قانع باشد، بلکه باید همواره با بلندهمتی به دنبال ارتقای وضع موجود باشد. در سند تحول آموزش و پرورش نیز به ارتقای موقعیت ایران در منطقه اشاره شده که نشان‌دهنده بلندهمتی است. در سند تحول همواره بر ارتقای جایگاه علمی کشور از طریق تربیت افراد متعهد و متخصص تأکید شده است؛ به طوری که در اهداف کلان فصل پنجم سند، بر کسب موقعیت نخست تربیتی در منطقه و جهان اسلام و ارتقای فزاینده جایگاه تعلیم و تربیتی ایران در سطح جهانی تأکید دارد.(سند تحول، ۱۳۹۰: ۲۵)

توجه به نگرش سیستمی و بلندهمتی همراه با تقویت روحیه پژوهشی در دانشگاهها، در تمام فصلهای سند اسلامی شدن دانشگاهها مورد توجه قرار گرفته است. البته در خصوص نسبت میان جایگاه استاد و دانشجو در تحقق چنین مسیری، رویکرد سند بیشتر بر تقویت جایگاه و انگیزه اساتید برای این مهم تأکید دارد.

۷. اولویت‌بندی در دانش پژوهی

مؤلفه دیگری که شهید ثانی در تحصیل به آن توجه داده، این است که دانشجو باید در فراگیری علم و دانش، رعایت اهمیت را بکند و به علومی بپردازد که از اهمیت و ارزش بالاتری برخوردارند(عاملی، ۱۴۲۵: ۱۱۴). درباره این مؤلفه، در سند اسلامی شدن دانشگاهها، چنانچه از عنوان سند هم مشخص است، توجه زیادی به اولویت قرار دادن رویکرد اسلامی به پژوهش در حوزه‌های مختلف و به خصوص علوم انسانی شده و بر جذب افراد نخبه در این زمینه‌ها تأکید شده است؛ امری که در صورت تحقق آن می‌توان در آینده نزدیک شاهد رشد و شکوفایی رشته‌های علوم انسانی اسلامی بود. در بخشهای مختلف مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور نیز به این مؤلفه تأکید شده است؛ به طوری که در مبانی هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی، ارزش‌شناسی و دین‌شناسی سند مذکور، همواره به اولویت‌بندی مقوله‌های معرفتی، اخلاقی و هدفگذاری توجه شده است(مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۱۲۷-۴۸). مطابق سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، در گزاره‌های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی کشور، به رعایت اولویت‌بندی و منزلت

تبیین ویژگی‌های دانش پژوهی در نظام آموزشی کشور... ۶۷

علم نافع، هدایتگر و توانمندساز توجه شده است (سند تحول، ۱۳۹۰: ۱۷). همچنین در مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی کشور، از یک سو به این مسئله اشاره شده که گستره مفهوم ارزشمند علم در فرهنگ اسلامی، شامل تمام دانشهای تجربی و انسانی کاشف از حقایق هستی و نیز علوم کاربردی مفید در شناخت و حل مسائل پیچیده زندگی انسان معاصر است و از سوی دیگر، اشاره شده که بهترین علمها، دانشی است که به شناخت خود و اصلاح هویش بینجامد و راه سعادت را نشان دهد و بدترین دانشها آن است که انسان را اصلاح نکند و در دنیا متوقف سازد. (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰: ۱۰۴)

رعایت اولویت‌بندی به خاطر این است که اقسامی را می‌توان برای علم ترسیم کرد. نخست بر اساس فراگیرترین سطح واقعیت، که همه مخلوق و آیت خداوندند و در این سطح، علم از ویژگی یگانگی برخوردار است. بر اساس موضوع یا روشهای مطالعه نیز تقسیمی برای علم متصور است. بر اساس قصد یا غرض یا میزان ارتباط با نیازهای آدمی نیز می‌توان علم را دارای اقسامی دانست. هر علمی به نیازهای اساسی‌تر آدمی پردازد، سودمندتر است. نیازهای آدمی به دو دسته حیاتی و متعالی بخش پذیرند. رفع نیازهای حیاتی، اولویت زمانی دارد و پاسخگویی به نیازهای متعالی، اولویت رتبی دارد. به عبارت دیگر؛ هر علم دارای متعلق و معلومی است که در تأمین کمال آدمی، تأثیر متفاوتی دارد. برخی علوم از منزلت بالاتر و در نتیجه از اصالت نسبی برخوردارند و برخی از منزلت پایین‌تر؛ بعضی که نقشی در تأمین کمال یا دوری انسان از مسیر کمال ندارند، مباح‌اند و بعضی به دلیل آسیب‌رسانی به تکامل انسان، دارای ارزش منفی‌اند. به طور خلاصه، علم انسان واقعیتی ذومراتب است و سطوح آن تابعی از ابزارها، روشها مهارتها و محدودیتهای شناختی آدمی است. (همان: ۷۹)

د) بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر، واکاوی و بررسی شاخصه‌های دانشجویی و دانش پژوهی از منظر شهید ثانی و مطالعه تطبیقی نتایج به دست آمده با اسناد بالادستی نظام آموزش جمهوری اسلامی ایران؛ یعنی «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش»، «مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران» و «سند اسلامی شدن دانشگاهها» بود. در این راستا، ابتدا کتاب منیه المرید شهید ثانی که از مهم‌ترین و برجسته‌ترین آثار در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی است، بررسی شد.

در این کتاب، شاخصه‌ها و آداب اختصاصی دانشجویی و دانش پژوهی، در سه بخش عمده و محوری ارائه شده است. بخش اول به شاخصه‌ها و آداب خود دانشجو و دانش پژوه

اختصاص یافته است. شهید ثانی در این بخش، به خوبی شاخصه‌های تعلیم و تربیت بایسته برای یک دانش‌پژوه را ترسیم کرده است؛ شاخصه‌هایی از قبیل نیت ناب و پالودن دل از بدی‌ها؛ استفاده از فرصت‌های پیش رو برای تحصیل؛ زدودن موانع تحصیل و دل‌بستگی‌های مادی؛ اجتناب از افراد سطحی‌نگر و معاشرتهای ناسالم؛ جدیت، پویایی، بلندهمتی و اولویت‌بندی در دانش‌پژوهی. بعد از تبیین و استخراج شاخصه‌های دانش‌پژوهی مد نظر شهید ثانی، «سند اسلامی سازی دانشگاهها»، «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» و «مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران»، به عنوان راهبردی‌ترین اسناد بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران در زمینه تعلیم و تربیت، بررسی و مطالعه شد.

نتایج به دست آمده نشان داد که اکثر شاخصه‌های استخراج شده از کتاب منیه المرید در این اسناد نیز به نحوی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، انعکاس یافته و مورد توجه قرار گرفته است. اما در خصوص «سند اسلامی شدن دانشگاهها» که به نظر می‌رسد بیشتر بر مبنای اصلاحات ساختاری و سازمانی تهیه شده و استاد محور است، کمتر به نقش و جایگاه دانشجو و دانش‌پژوه برای تحقق اهداف سند توجه شده است. بر این اساس، به شاخصه‌هایی همچون: استفاده از فرصت‌های پیش رو برای تحصیل، زدودن موانع تحصیل و دل‌بستگی‌های مادی و اجتناب از افراد سطحی‌نگر و معاشرتهای ناسالم، توجه چندانی نشده و مغفول مانده است. یکی دیگر از مواردی که در تنظیم اسناد بالادستی می‌بایست مورد توجه قرار گیرد، تعیین سطوحی از اهداف پژوهشی و تربیتی است که قابلیت عملیاتی شدن داشته باشند؛ به طوری که مخاطبان سند، اهداف مد نظر سند را برای خود قابل دستیابی بدانند؛ چنانچه در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، «حیات طیبه» به معنای وضع مطلوب زندگی مبتنی بر اسلام تمدن‌گرا، به عنوان هدفی که انتظار می‌رود دانش‌آموزان پس از پایان دوران تحصیلات رسمی عمومی به آن دست یابند، در نظر گرفته شده است و برای دانش‌آموزان نیز قابل تصور و دست‌یافتنی است. اما در سند اسلامی سازی دانشگاهها، برخی از اهداف همچون «قرب الهی»، آنقدر آرمانی تصور شده است که شاید در نگاه برخی از دانشجویان، دست‌نیافتنی تصور شود و لذا برای رسیدن به آن تلاش چندانی از خود نشان ندهند. این در حالی است که شهید ثانی با وجود آنکه تجربه زیسته ایشان محیط علمی و اخلاقی حوزه‌های علمیه بوده است، اما با مخاطب‌شناسی دقیق، در تعیین شاخصه‌ها نگاهی عام به موضوع تربیت داشته‌اند.

موضوع دیگری که انتظار می‌رود در اسناد بالادستی مورد توجه قرار گیرد، توجه به تمام عوامل تأثیرگذار بر فرایند تربیت در مراکز آموزشی است؛ البته در قسمت رهنامه مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، این مؤلفه مورد توجه قرار گرفته است؛ اما در سند اسلامی شدن دانشگاهها، به نقش و جایگاه کارمندان و یاوران علمی توجه نشده است.

در پایان، توجه به این مهم ضروری است که هر چند به برکت استقرار نظام جمهوری اسلامی بیش از چهار دهه است که زمینه لازم برای پرورش و تربیت دانش پژوهانی با اهداف عالی و ارزشهای والای الهی فراهم شده و شاخصهای مناسبی برای تحقق این مهم مشخص شده است؛ اما نکته مهم، چگونگی عملیاتی کردن این شاخصهاست. به نظر می‌رسد در حوزه عملیاتی و کاربردی، ضمن توجه به نقش اساتید که در سند دانشگاه اسلامی مورد توجه قرار گرفته است، باید به نقش مهم دانشجویان و یاوران علمی در ایجاد ارتباط میان فعالیتهای پژوهشی اساتید و دانشجویان نیز توجه شود و با ترسیم الگوی ارتباط اخلاق حرفه‌ای جدید مبتنی بر نقش آفرینی اساتید، دانشجویان و یاوران علمی، بر مبانی مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای مطرح در آموزه‌های اسلامی و نظریات شهید ثانی، با اجتناب از سطحی‌نگری نسبت به ارزش علم و اولویت‌بندی در دانش پژوهی، زمینه هرچه بیشتر تحقق ارزشها و آرمانهای متعالی انقلاب بیش از گذشته فراهم شود و شاهد فضای پژوهشی غنی‌تری در دانشگاهها و مراکز آموزشی کشور باشیم.

منابع

- قرآن.
- نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی (۱۳۷۹). قم: لقمان، چ سوم.
- بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی (۱۳۹۷).
- سند اسلامی شدن دانشگاهها (۱۳۹۲).
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۱۳۹۰).
- مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰).
- آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۸۸). غررالحکم و دررالکلم. ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ یازدهم.
- ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۱۴۰۵ ق). عوالی اللئالی العزیزیه فی الأحادیث الدینییه. قم: دار سیدالشهداء للنشر.
- امام خمینی، روح الله (۱۳۷۸). صحیفه امام (وصیت نامه سیاسی - الهی). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، روح الله (۱۳۷۲). کلمات قصار (پندها و حکمتها). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- بهشتی، محمد؛ مهدی ابوجعفری، علی نقی فقیهی و علیرضا اعرافی (۱۳۷۹). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۹). وحی و رهبری. تهران: الزهراء، چ دوم.
- حاجتی، میر احمد رضا (۱۳۸۱). عصر امام خمینی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چ دوم.
- حرآنی، ابن شعبه (۱۳۸۷). تحف العقول. ترجمه احمد جنتی. تهران: بین الملل.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). وسائل الشیعه. قم: آل البیت.
- رفیعی، بهروز (۱۳۹۹). مریبان بزرگ مسلمان. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت، چ چهارم.
- ریاضی، اعظم؛ محمد حسن میرزامحمدی و محسن ایمانی (۱۳۹۸). «بررسی تحلیلی ویژگی های معلم در اسناد آموزش و پرورش کشور و نقد آن با استفاده از دیدگاه شهید ثانی». پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، سال بیست و هفتم، ش ۴۳: ۷۷-۹۵.
- صدوق، محمد بن علی ابن بابویه (۱۳۶۲). الخصال. تصحیح علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین.

تبيين ویژگی‌های دانش پژوهی در نظام آموزشی کشور... ❖ ۷۱

- صنم‌لو، محمد گل؛ ابراهیم نعیمی، علی خورسندی طاسکوه و سید صدرالدین شریعتی (۱۴۰۰). «طراحی الگوی معلم خوب با تکیه بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش». *مطالعات راهبردی بسیج*، سال بیست و چهارم، ش ۹۰: ۲۲۲-۱۷۹.
- طبرسی، علی بن حسن (۱۳۴۴). *مشکاه الأنوار فی غرر الأخبار*. نجف: المكتبة الحیدریه، چ دوم.
- طوسی، محمد حسن (۱۴۱۴ ق). *الأمالی*. قم: دار الثقافة.
- طوسی، محمد حسن (۱۴۰۷ ق). *تهذیب الاحکام*. تهران: دارالکتب الإسلامیه، چ چهارم.
- عاملی، زین‌الدین بن علی بن احمد «شهید ثانی» (۱۴۲۵ ق). *منیه المرید فی آداب المفید و المستفید*. قم: مؤسسه نشر اسلامی، چ پنجم.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵). *روضه الواعظین و بصیره المتعظین*. قم: رضی.
- فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۰۶ ق). *الوافی*. اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین.
- لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶). *عیون الحکم و المواعظ*. تحقیق حسین حسینی بیرجندی. قم: دارالحدیث.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ق). *بحار الانوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی، چ دوم.
- محمدی ری شهری، محمد (بی تا). *میزان الحکمه*. قم: دارالحدیث، ویرایش دوم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). *حکمتها و اندرزها*. تهران: صدرا، چ یازدهم.
- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ ق). *أمالی*. قم: کنگره شیخ مفید.
- موسوی خوانساری، محمد باقر (۱۳۹۰). *روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات*. قم: اسماعیلیان.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸). *مستدرک الوسائل*. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰ ق). *مجموعه ورام*. قم: مکتبه فقیه.
- **The Holy Quran.**
- **Nahj al-Balagha.** Translated by Mohammad Dashti (2000). Qom: Luqman Publishing House, third edition.
- **Fundamental transformation document of education** (2011).
- **Islamization document of universities** (2013).
- **Statement of the second step of the revolution** (2018).
- **Theoretical foundations of the fundamental transformation in the formal public education system of the Islamic Republic of Iran** (2011).
- Amedi, Abdulwahid Ibn Muhammad (2009). **Gharral al-Hakm and Dorar al-Kalem.** Translated by Seyyed Hashem Rasouli Mahalati. Tehran: Islamic Culture Publishing, 11th edition.
- Ameli, Zain al-Din Ibn Ali Ibn Ahmad "the second martyr" (2004). **Moniya al-Murid in the Adab al-Mufid and al-Mustafid.** Qom: Islamic Publication Institute, fifth edition.
- Beheshti, Mohammad; M. AbuJa'fari, A.N. Faqihi & A. A'rafi (2000). **Opinions of Muslim Scholars in Education and its Basics.** Tehran: Hozha and University Research Institute and Samt Publications.

- Fattal Neishabouri, Muhammad Ibn Ahmad (1996). **Rawdat al-Wa'ezin and Basirah al-Mu'taezin**. Qom: Razi Publications.
- Faiz Kashani, Mohammad Mohsen (1985). **Al-Wafi**. Isfahan: Imam Amir al-Momenin Library.
- Hajati, Mir Ahmad Reza (2002). **Asr Imam Khomeini**. Qom: Publications of the Islamic Propaganda Office, second edition.
- Harrani, Ibn Shuba (2008). **Tohaf al-Oqool**. Translated by Ahmad Jannati. Tehran: International Publishing Company.
- Horr Aameli, Muhammad Ibn Hassan (1988). **Vasaayel Al-Shi'a's**. Qom: Al al-Bait Foundation.
- Ibn Abi Jumhur, Muhammad Ibn Zain al-Din (1984). **Awali al-Laali al-Aziziya fi al-Ahadith al-Diniya**. Qom: Dar Sayyed al-Shohada Publishing House.
- Ibn Babouyeh, Muhammad Ibn Ali (Sheikh Saduq) (1983). **Al-Khasal**. Sahih Ali Akbar Ghafari. Qom: Jaame'e Modaresin.
- Imam Khomeini, Ruhollah (1993). **Aphorisms (tips and wisdom)**. Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute.
- Imam Khomeini, Ruhollah (1999). **The Imam's Sahifa (Political-Divine Testament)**. Tehran: Imam Khomeini Organization and Publishing Institute.
- Javadi Amoli, Abdullah (1990). **Revelation and Leadership**. Tehran: Al-Zahra Publications, second edition.
- Laithi Vaseti, Ali Ibn Muhammad (1997). **Ayun Al-Hekam and Al-Mawa'az**. Research by Hossein Hosni Birjundi. Qom: Dar al-Hadith.
- Majlesi, Mohammad Baqir (1982). **Bihar al-Anwar**. Beirut: Dar Ihya al-Trath al-Arabi, second edition.
- Mofid, Muhammad Ibn Muhammad Ibn Nu'man (1992). **Amali**. Qom: Sheikh Mofid Convention.
- Mohammadi Ray Shahri, Mohammad (No Date). **Mizan al-Hikmah**. Qom: Dar al-Hadith, Second edition.
- Motahari, Morteza (2000). **Wisdoms and advices**. Tehran: Sadra Publications, 11th edition.
- Mousavi Khansari, Mohammad Bagher (2011). **Ruzat al-Jannat fi Ahval al-Ulama and al-Sadat**. Qom: Ismailian Publications.
- Nouri, Mirza Hossein (1987). **Mustardak Al-Wasaayel**. Qom: Al al-Bait Institute.
- Rafiei, Behrouz (2020). **The great Muslim teachers**. Tehran: Hozah and University Research Institute and Samt Publications, 4th edition.
- Riazi, A'zam; M.H. Mirzamohammadi & M. Imani (2019). **"Analytical investigation of the teacher's characteristics in the education documents of the country and its criticism using the point of view of Shahid Sani"**. *Research in Islamic Education Issues*, year 27, No. 43: 77-95.
- Sanam Lo, Mohammad Gol; I. Na'imi, A. Khorsandi Taskoh & S.S. Shariati (2021). **"Designing a model of a good teacher based on the document of the fundamental transformation of education"**. *Basij Strategic Studies Quarterly*, year 24, No. 90: 179-222.
- Tabarsi, Ali Ibn Hassan (1965). **Mishkaat al-Anwar fi Ghorar al-Akhbar**. Najaf: al-Maqtabah al-Haydriyah, second edition.
- Tusi, Mohammad Hassan (1993). **Amali**. Qom: Dar al-seqaafah.
- Tusi, Mohammad Hassan (1986). **Tahzeeb Al-Ahkam**. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya, 4th edition.
- Varram Ibn Abi Farraas, Masoud Ibn Isa (1989). **Warram Collection**. Qom: Faqeeh School.